خبرها

مسئولان به اقدامات قانونی نظام پزشکی تمکین کنند

شرق: هفتمین همایش علمی پزشکان عمومی سراسر کشور با حضور هزاران تن از پزشکان، جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مسئولان بهداشت و درمان کشور، اعضای شورای عالی نظام پزشکی، رئیس کل و معاونین سازمان نظام پزشکی از ۲۴ خردادماه به مدت پنج روز در مرکز همایش های بین المللی رازی آغاز به کار کرد. به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل سازمان نظام پزشکی ایران دکتر سیدشهاب الدین صدر رئیس کل نظام پزشکی کشور در مراسم گشایش این همایش با اشاره به اینکه در حال حاضر ۱۷۰ هزار نفر عضو سازمان نظام پزشکی بوده و ۶۸ هزار نفر پزشک عمومی، ۲۷ هزار نفر متخصص و فوق تخصص، ۲۰ هزار نفر دندانپزشک، ۱۲ هزار نفر داروساز، ۴۰ هزار ماما و ۳ هزار نفر متخصص علوم آزمایشگاهی را شامل می شوند، گفت: «با وجود ۳۰۰ میلیون بار مراجعه در سال به جامعه پزشکی خوشبختانه خدمات ارائه شده از نظر کیفیت و کمیت در حد مطلوبی است و ارتقای شاخص های بهداشتی کشور طی سال های اخیر به همت و تلاش اعضای جامعه پزشکی صورت گرفته است. در عین حال اقدامات درمانی انجام شده در ایران از لحاظ کیفیت در سطح کشورهای پیشرفته است و دانش و مهارت پزشکان کشورمان از کشورهای پیشرفته کمتر نیست.» رئیس کل نظام پزشکی کشور خواستار حفظ قداست و جایگاه جامعه پزشکی از سوی مسئولان و برنامه ریزان نظام سلامت کشور شده و افزود: «باید بهای لازم و اهمیت واقعی را برای جامعه پزشکی و سلامت مردم قائل شده وبا حفظ قداست پزشکی کشور، امنیت لازم را برای ارائه خدمات هرچه مطلوب تر به مردم فراهم کنیم تا پزشکان با انگیزه بیشتری وظایف خود را انجام دهند و دغدغه ای نداشته باشند.» رئیس کل نظام پزشکی کشور ادامه داد: عدالت و امنیت مفهوم مقدسی است ولی آنچه باعث آرامش می شود احساس عدالت و احساس امنیت است و افراد نخبه کشور بایستی احساس امنیت شغلی و عدالت را داشته باشند. به این معنا که از ورود افراد غیرمسئول به حریم مقدس پزشکی جلوگیری شود. یکی از مشکلات فعلی این است که هر کسی خود را میزان و شاخص قانون برشمرده و هر کاری را نمی تواند تحمل کند، غیرقانونی می داند.» وی تاکید کرد: «سازمان نظام پزشکی در چارچوب اختیارات قانونی خویش با قاطعیت و تدبیر و برنامه ریزی لازم به وظایف خود عمل کرده و کوتاهی نخواهد کرد و دستگاه های مسئول سلامت کشور بایستی به اقدامات قانونی نظام پزشکی تمکین کنند.» رئیس نظام پزشکی کشور از دستگاه های اجرایی مسئول سلامت کشور خواست با جامعه پزشکی با ادبیات در شأن این جامعه سخن بگویند و افزود: «ادبیات آمرانه و جبر و زور و تحمیل دستورالعمل ها در هیچ جای دنیا پاسخگو نیست و هر مسئولی بخواهد در انجام امور سلامت جامعه موفق و موثر باشد بایستی از همفکری و همکاری تک تک آحاد جامعه پزشکی بهره مند باشد.» رئیس کل نظام پزشکی کشور آمادگی این سازمان را برای تمدید پروانه مطب پزشکان و دندانپزشکان سراسر کشور در تهران و ۵۰ شهر مختلف کشور اعلام کرده و اظهار داشت: ۲۵ هزار نفر از اعضای جامعه پزشکی شهر تهران در سال جاری احتیاج به تمدید پروانه مطب دارند که برای سهولت انجام کار این افراد شبکه اینترنتی سازمان نظام پزشکی مهیا شده و همچنین با شرکت پست قرارداد رسمی منعقد شده که با تماس تلفنی افراد مدارک مربوطه را از مطب ها تحویل گرفته، به سازمان نظام پزشکی ارائه کرده و پروانه مطب جدید متقاضی را به وی اعطا کنند.» دکتر صدر با اشاره به اینکه سازمان نظام پزشکی افرادی را که با سرمایه گذاری شخصی خود مطب و یا مراکز درمانی احداث می کنند محترم شمرده و نگاه صددرصد مثبتی به فعالیت ایشان دارد، افزود: «با توجه به اینکه مهلت اعتبار پروانه مطب پزشکان اول تیرماه سال جاری به پایان می رسد با وزارت رفاه و سازمان های بیمه گر هماهنگی لازم به عمل آمده است که تا زمان صدور پروانه مطب جدید، پروانه قبلی دارای اعتبار باشد.» دکتر صدر ساماندهی امر درمان و سلامت جامعه را در گرو واقعی کردن تعرفه های خدمات پزشکی و افزایش سرانه درمان دانسته و خواستار افزایش سرانه درمان کشور در سال جاری از مبلغ ۳۹۰۰ تومان به مبلغ ۷ هزار تومان شد و گفت: «سرانه درمان به مبلغ هفت هزار تومان مصوبه شورای عالی بیمه است و دولت بایستی در متمم بودجه سال جاری اصلاح سرانه درمان را در اولویت قرار دهد.»

آفت، تمام مزارع گل سوسن چلچراغ را دربرگرفته است

ایلنا: آفت، صددرصد مزارع و زیستگاه گل سوسن چلچراغ را دربرگرفته و این حشره به صورت کامل منطقه را اشغال کرده است. کامران زلفی نژاد مدیرکل محیط زیست استان گیلان گفت: تنها محل زیست سوسن چلچراغ در دنیا، در منطقه داماش عمارلو و نیز لنکران است و حدود ۲ سال است که آفتی این گیاه را تهدید و نابود کرده است. وی افزود: این حشره تحت کنترل و مطالعه بوده و در حال حاضر گل دهی این گل از چند روز قبل شروع شده و دوره آن تا حدود ۲ هفته آتی نیز به پایان می رسد. زلفی نژاد گفت: اداره کل محیط زیست استان گیلان در حال حاضر در حال انجام مطالعات علمی بر روی این گونه «لیلیوم» است، به نحوی که بحث مبارزه بیولوژیک آن را دنبال می کند، اما مطالعات از سوی گروه های مختلف حشره شناسان و کنترل آفات گیاهان ادامه دارد. وی تصریح کرد: اداره کل محیط زیست استان گیلان به صورت مقطعی جهت مبارزه با این حشره تلاش هایی را انجام داده است و این در حالی است که کارشناسان این اداره جهت جمع آوری دستی این حشرات مامور شده اند تا جامعه زیستی آنها را محدود کنند. وی گفت: هیچ گونه مواد شیمیایی برای کنترل این آفت به کار برده نمی شود، چرا که در مقطع فعلی و تا زمان اتمام مطالعات نمی توان از مواد شیمیایی استفاده کرد. مدیرکل محیط زیست استان گیلان گفت: بعد از اتمام مطالعات، مبارزه بیولوژیک را آغاز خواهیم کرد.

در روز جهانی مبارزه علیه استثمار کودکان

در ایران هیچ خبری نیست

شیوا زرآبادی

درست همان موقعی که پسرک نحیف و رنگ پریده چهارده ساله چراغ کارگاه را روشن کرد، کتری را روی گاز پیک نیکی کنار کارگاه گذاشت، از پانزده پله شکسته کارگاه بالا رفت تا از تنها شیر آب دم در آبی به صورتش بزند و به وقت ایران، ساعت ۸ صبح پشت چرخ خیاطی که ۳ سال است کار، تفریح و زندگی اش است بنشیند، کم کم شرکت کنندگان اجلاس جهانی کار در ژنو از خواب بیدار می شوند تا در آخرین روز دویست و نودوپنجمین جلسه شرکت کنند و از مسئله کار کودک بگویند. این آخرین روز از اجلاسی است که سه هزار شرکت کننده از سراسر دنیا و از جمله ایران دارد، اینجا، جنوب بازار بزرگ تهران در یک روز صبحی که ۲۵ خرداد و یک پنجشنبه عادی است هیچ اتفاق جدیدی نیفتاده است. چرخ باربرها به راه افتاده و در کوچه و پس کوچه های مشرف به بازار بزرگ می چرخد. دستگاه های اتوکش ها، چرخکارها و زیگزال دوزها هم روشن شده است و پشت درهای بسته ای که نه کسی از آنها بیرون می آید و نه کسی به آنها وارد می شود یک روز مشقت بار دیگر شروع شده است. وزیر کار و امور اجتماعی سیدمحمد جهرمی در اجلاس جهانی کار با اشاره به حمایت جدی کشورمان از برنامه های دبیرخانه سازمان بین المللی کار برای محو کار کودک گفت: «جمهوری اسلامی بیش از ۲۶نوع کار خطرناک را برای کودکان شناسایی و ممنوع اعلام کرده است.»

اما در کوچه و پس کوچه های بازار بزرگ ناحیه ۳ از منطقه ۱۲ تهران سال ها است که خانه های مسکونی جای خود را به کارگاه های تولیدی داده اند. توی این کوچه ها همه چیز عین یک محله عادی است اما با کمی توجه معلوم می شود که یک خانه مسکونی چند کارگاه اتاق اتاق را در زیرزمین و بالای پشت بام و خلاصه در هر سوراخی جای داده، خانه ها به شدت فرسوده اند، دیوارها پر از ترک هایی است که آدم فکر می کند با یک فوت خواهند ریخت. در این کوچه و پس کوچه ها پر از این خانه ها و این کارگاه ها است که کارگران آن زیر ده نفر هستند و طبق ماده ۹۲ قانون نظام صنفی از شمول قانون کار خارج اند. نه آمار دقیقی از تعداد واحدهای کارگاهی این منطقه وجود دارد چون به عبارتی مخفی هستند تا از پرداخت مالیات به شهرداری بگریزند و نه آماری از تعداد کارگران. فقط هر در شکسته معنی اش این است که حداقل ۲۰ آدم کوچک و بزرگ در این ساختمان مخروبه کار می کنند و کار می کنند و کار می کنند، اندکی می خورند و اندکی می خوابند و زیاد از کارگاه بیرون نمی آیند. کارگاه های رو به کوچه هیچ پنجره یا نورگیری ندارند آنچه بوده را با چیدن آجر به این دلیل که شهرداری نگوید خانه را به مغازه تبدیل کرده اید بسته اند. از نظر بهداشتی شرایط کارگاه ها وحشتناک است. توالت و دستشویی که همان ظرفشویی یا دوش حمام است، گاز پیک نیکی که همان اجاق گاز و جای خواب که همان اتاق کار است فاصله چندانی با هم ندارند. از خانه های مخروبه ای که زمانی قلب تپنده تهران و خانه اعیان و اشراف بازار بوده اند امروز با ۲۰۰ هزار تومان پول پیش و ماهی ۳۰ هزار تومان کرایه، نمی شود پیش از این هم انتظار داشت. سال گذشته همزمان با برگزاری اجلاس جهانی کار برنامه های محدودی در ایران در خصوص کاهش و محو انواع کار کودک برگزار شد. اتفاقی که امسال کمترین حرفی از آن زده نشد. ایران تاکنون به ۱۲ مقاوله نامه جهانی پیوسته که ۱۱ مورد آن قبل از انقلاب بوده است. مقاوله نامه ۱۸۲ که در مورد محو بدترین اشکال کار کودک است بعد از انقلاب و به طور مشروط توسط ایران پذیرفته شده است. مطابق با این مقاوله نامه کشورها موظفند گزارش هایی در خصوص کار کودک به سازمان جهانی کار ارائه دهند. در و دیوار کوچه های این منطقه پر از آگهی استخدام است. کارگر ماهر و پادو. اینجا کار ریخته است. اما با این شرایط از ۷ صبح تا ۱۲ شب یا ۲ نیمه شب برای ماهی ۱۵۰ یا ۲۰۰ هزار تومان. اینجا همه تقریباً می گویند ۱۷ ساله اند. انگار می دانند و یا به آنها گفته اند که مطابق با قانون کار ایران سن قانونی کار ۱۸ سال است و مطابق با پیمان نامه حقوق کودک ۱۵ سال. بچه ها در پاسخ به این سئوال که چند ساله یا می گویند نمی دانیم یا از صاحب کارشان می پرسند یا می گویند ۱۷ سال. در هر کارگاه حداقل ۲، ۳ کودک ۱۴ و ۱۵ ساله که دو سه سالی است کار می کنند وجود دارد.

■ شب و روز کار می کنیم

ده پله به بالا، یک پاگرد و ۱۲ پله بالاتر. یک کارگاه تولیدی. اتاق سمت راست آشپزخانه شامل یک یخچال، یک گاز پیک نیکی، یک شیر آب با سینک شکسته ای زیر آن، زباله ها روی زمین بیرون ریخته. اتاق سمت چپ تا خرخره پر از توپ پارچه است. این اتاقک زمانی حمام این خانه بوده که امروز تغییر کاربری داده است. میز بزرگ چوبی شکسته ای وسط هال است. یک راه باریک به اتاق اصلی کارگاه می رود. ۷ چرخ خیاطی با ۵ جوان. دیوارها پر از پوستر است. کارگاه ها با هم نقاط مشترک زیادی دارند. غیر از شرایط بغرنج، چشم نوازترین آنها پوسترهای روی دیوارها و نوشته های یادگاری و شعر روی دیوارها است. در این کارگاه به جز پوسترهای خوانندگان و هنرپیشه های مجاز و غیرمجاز ستارگان فوتبال هم بخش اعظمی از پوسترها را تشکیل داده اند. بچه های اینجا قرمزند و طرفدار پرسپولیس. وقت فوتبال بازی کردن و گل کوچک ندارند. اما بعضی از بازی های جام جهانی را می بینند. اهل زنجانند. ۱۴ ساله، ۱۷ ساله، ۲۳ ساله که ۸ سال اینجا کار می کند و ۲۶ ساله. ۷ نفرند که همه همین جا می خوابند. درآمد خود را برای خانواده به زنجان می فرستند. کارگران کارگاه ها بیشتر ایرانی و اهل تهران نیستند. خیلی از آنها می گویند تابستان ها تعداد بچه هایشان بیشتر می شود. از ۲ هفته دیگر کم کم شروع می کنند به کار کردن. صاحب کاری می گوید الان مشغول دیدن جام جهانی اند. آن بچه هایی که درس می خوانند و تابستان ها کار می کنند.

جالب است که صاحب کارها هم درست در بچگی زندگی همین کودکان را داشته اند. از بچگی کار کردند و امروز بچه هایی را برای کمک به امورات خانواده هایشان به کار می گیرند. آنها هم روزی کودک کار بوده اند. اما یک جوری دل آدم می ریزد وقتی می بیند پسرهای نوجوان و کودک در کارگاه های مخفی ای پادویی می کنند که ۴، ۵ جوان بیست و چندساله و سی ساله از سپیده صبح تا بوق سگ با هم تنها هستند، کار می کنند، شوخی می کنند و... پسرک بالای سرش با سواد کلاس سوم دبستان خود نوشته بود «چه عذابیه به دنیا اومدن؟» جهرمی که در اجلاس جهانی کار درست همین چند روز پیش سخن می گفت تاکید کرد: «کار کودک تابعی از فقر، ضعف آموزش و کمبود فرصت های شغلی مولد و ناموزون در اثر چالش های جهانی شدن و گرایش های برجامانده از اندیشه فرصت طلبانه سرمایه داری و برده داری استعمار نوین است.»

■ من به جای تو نقاشی می کشم

ساعت ۹ صبح روز جهانی مبارزه با استثمار کودکان ۱۶ ژوئن یا همان ۲۵ خرداد است. یک گروه که هیچ کدام کودک نیستند در خانه کودک شوش رنگ آمیزی می کنند. خیلی از آنها سال ها است که با مداد رنگی غریبه بوده اند اما امروز و فقط همین امروز کار کودک را که گفته می شود تحصیل و بازی است به عاریت گرفته اند و کودک هم به اجبار کار بزرگ ترها را. یک گروه تقریباً بیست نفره جمع شده اند تا امروز به دیدن کودکان کار بروند. به همت گروه تحقیق و پژوهش خانه کودک شوش که شعبه ای از انجمن حمایت از حقوق کودکان است کارگاه های ناحیه ۳ از منطقه ۱۲ شناسایی شده اند. دعوتنامه هایی برای شرکت کودکان کار در اردوهای رایگان خانه کودک، همان ها که ما رنگ کردیم تهیه شده است.

هر عضو گروه تحقیق خانه کودک شوش پنج نفر را راهنمایی می کند. ساعت ۹ صبح است و در اتاق دیگری از خانه کودک شوش باز هم بچه ها نیستند. گروهی از افراد خارهای شاخه های گل را جدا می کنند و هر شاخه گل رز را می پیچند. ۲۰۰ شاخه برای ۲۰۰ کودک کار. برنامه حرکت این است؛ وارد کارگاه ها می شویم اگر کارفرما با ورود ما مشکل داشت اصرار نمی کنیم و با این هدف که نمی خواهیم برای کودکان کار، خانواده ها و کارفرمایشان مشکل ساز شویم از استثمار و ظلم و ستم حرف نمی زنیم.

شیوا دولت آبادی روانشناس و عضو انجمن حمایت از حقوق کودک قبل از حرکت درباره نوع برخورد ما با بچه ها و کارفرماها صحبت می کند: «کار کودک به دلیل مسئله فقر خانواده است. مشکل ما کارفرما نیست. ما می دانیم که نمی توانیم کار کودک را ریشه کن کنیم اما می توانیم شرایط آنها را کمی بهتر کنیم. ما بدون اینکه نگرانی برای آنها و کارفرمایشان ایجاد کنیم به کنار آنها می رویم و آنها را به خانه کودک دعوت می کنیم.» مطابق با آمار سازمان جهانی کار بیش از ۲۰۰ میلیون کودک کار در سراسر دنیا وجود دارد که بیشترین جمعیت را دختران زیر ۱۶ سال تشکیل می دهند. در حال حاضر ۸۸ کشور از جمله ایران عضو برنامه کاهش کار کودکان (IPEC) هستند.

گروه هیچ اشاره ای به ظلم و ستم نکرد. کودکان کار شاخه گل، کتاب و دعوت نامه گرفتند و خدا کند این اتفاق افتاده باشد که کودک لحظه ای فکر کند من یک کودکم و کارفرمایش فکر کند کارگرم یک کودک است. به همین سادگی یک بار دیگر روز جهانی مبارزه علیه استثمار کودکان تمام شد و درست مثل شعری که روی دیوار کارگاهی نوشته شده بود؛ امروز همان فردا نیست که دیروز نگرانش بودیم. امروز تمام می شود و فرداها می آیند و هیچ اتفاق خاصی هم نمی افتد.

دومین جلسه محاکمه دل آرا برگزار شد

متهم: قاتل نیستم و نمی توانم باشم

گروه اجتماعی: دومین جلسه محاکمه دل آرا دختر جوانی که به قتل زن ۶۵ساله ای متهم بود، در دادگاه ویژه اطفال رشت برگزار شد. دختر ۱۷ساله متهم است که مهین را در زمستان سال ۸۲ با ضربات چاقو به قتل رسانده بود. او روز پنجشنبه در حالی در محاکمه حاضر شد که مثل جلسات پیشین قتل را تکذیب کرد. هفتم دی ماه سال ۸۲ پلیس رشت جسد زنی ۶۵ساله به نام مهین را کشف کرد. این زن کهنسال در جریان یک سرقت با ضربات چاقو مجروح شده و جانش را از دست داده بود. در این میان مردی با پلیس تماس گرفت و ادعا کرد که یکی از اقوام مهین در قتل او دخالت داشته است. با این گزارش دختر ۱۷ساله ای به نام دل آرا به همراه امیرحسین پسر جوانی که به نظر می رسید با او همدستی داشته دستگیر شد. آن دو در بازجویی های نیروی انتظامی اتهام قتل را پذیرفتند و جزئیات این قتل را فاش کردند. نظریه پزشکی قانونی مدتی بعد اعلام شد و در آن علت تامه مرگ مهین ضربات چاقو تشخیص داده شده بود که بر اساس اظهارات دو متهم بازداشت شده، دل آرا مجرم اصلی پرونده بود. در جریان تحقیقات دل آرا در حالی که در زندان به سر می برد نامه ای برای قاضی پرونده فرستاد که در آن ادعا کرده بود که اغفال شده است. دل آرا در این نامه ذکر کرده بود که چون امیر را دوست داشت، به خواست او و با این تصور که ۱۷ ساله است و قصاص نمی شود، اتهام قتل را پذیرفته بود. او ادعا کرد امیرحسین به او دارویی خورانده بود که هیچ اختیاری از خود نداشته. دل آرا متهم اصلی پرونده با وجود اعترافات پیشین خود که قتل را پذیرفته بود در دفاعیات بعدی گفت که در انجام قتل هیچ گونه دخالتی نداشته است. قاضی پرونده پس از محاکمه، دل آرا را به عنوان متهم ردیف اول به قصاص و امیرحسین را به اتهام معاونت در قتل زن ۶۵ساله و سرقت به تحمل ۱۰ سال حبس محکوم کرد. با صدور این حکم دل آرا به رای صادره اعتراض کرد. قضات شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور پس از مطالعه پرونده با توجه به آنکه او را متهم اصلی می دانستند، از قاضی پرونده خواستند در مورد تاثیر قرص های مصرف شده توسط دل آرا، شفاف سازی و رفع نقص انجام دهد. پرونده پس از بازگشت از دیوان عالی کشور به شعبه ۱۰۷ دادگاه ویژه اطفال رشت ارجاع شد. دل آرا در اولین جلسه محاکمه اعلام کرد که من و امیرحسین به خانه مهین رفتیم اما قبل از آن امیرحسین به من قرص هایی خورانده بود که کاملاً بی اراده شدم. امیرحسین از پشت ضربه ای به مهین زد، دهانش را گرفت و با تهدید فریاد زد چاقویی را برایش بیاورم. چاقو را از آشپزخانه برای امیرحسین آوردم و او ضرباتی به مهین زد اما من ضربه ای به او نزدم.

■ جلسه دوم محاکمه

پنجشنبه گذشته دل آرا متهم به مباشرت در قتل عمد و امیرحسین متهم به معاونت در قتل مهین، زن ۶۵ساله، در شعبه ۱۰۷ دادگاه ویژه اطفال حضور یافتند تا از خود در مقابل اتهام قتل عمد دفاع کنند. پس از آنکه اتهام قتل به دل آرا متهم ردیف اول تفهیم شد، او اتهام قتل را رد کرد و گفت: من به هیچ عنوان قاتل نیستم و نمی توانم قاتل باشم. هرگز به کشتن و نابودی دیگران فکر نکرده بودم. متهم دوباره به اقرار ساختگی اولیه خود اشاره کرد و گفت که براساس عشق اولیه به امیرحسین اقرار کردم اما بعد متوجه شدم او هرگز لیاقت این فداکاری را نداشته است. خرمشاهی وکیل مدافع دل آرا در دفاع از موکل خود پس از تشریح پرونده گفت: فرض بر آنکه اقرار دل آرا در شرایط قانونی صورت گرفته باشد اجرای آن با توجه به اینکه دل آرا چپ دست بوده و امیرحسین بین او و مقتوله واقع شده بود، امکان پذیر نیست. او تاکید کرد که تحت هیچ شرایطی نمی توان اقرار دل آرا را در عمل تصور کرد. در این جلسه امیرحسین اتهام معاونت در قتل را پذیرفت و البته در مورد نحوه زدن ضربات توضیحی به دادگاه نداد. خرمشاهی در این جلسه هم مانند محاکمه پیشین بازسازی صحنه را کلید رمز معمای پرونده دانست که می توان از طریق یافته های پلیس علمی و فنی پی برد که قاتل اصلی می تواند چه کسی باشد. قاضی دادگاه پس از استماع دفاعیات متهمان و وکلای مدافع آنها به رسیدگی پرونده خاتمه داد. پیش از این اعلام شده بود که قرار است بازسازی صحنه جنایت انجام شود.

ادامه سرمقاله

حتی اشیایی مانند گلدان های سنتی مصادره می شدند و اشیای انقلابی نظیر تصاویر مائو جایگزین می شدند. انسان ها به اعتراف فراخوانده می شدند و هرکس موظف بود به نام «انتقاد از خود» حوزه خصوصی اش را فاش کند.

روشنفکران و سیاستمداران حرفه ای با کلاه بوقی تحقیر می شدند و جوانان و تازه به دوران رسیده ها جانشین پیران و ریش سفیدها می شدند. همه همرزمان مائو برکنار یا تحقیر شدند تا تنها صدر مائو بر اریکه قدرت بماند. اما این فاجعه انسانی دیری نپائید. اول از همه خود مائو گاردهای سرخ را منحل کرد و سپس وارثان مائو به مائوزدایی پرداختند. چین در راه رشد سرمایه داری قرار گرفت و با به قدرت رسیدن افرادی مانند دنگ شیائوپینگ از مائوئیسم چیزی باقی نماند. سرمایه داران وارد حزب کمونیست چین شدند، یقه های مائویی از مد افتاد و کت و کراوات به لباس رهبران چین تبدیل شد. گرچه رهبران چین در قیام میدان تیان آن من با سرکوب جنبش دانشجویی به ایالات متحده آمریکا نشان دادند که مانند میخائیل گورباچف ناشی نیستند اما حکومت چین در پذیرش قواعد سرمایه داری و بورژوازی از خود اشتیاق و استعداد بسیار نشان داد. اولین گردش به راست اتفاقاً در زمان حکومت مائو رخ داده بود. وقتی که ریچارد نیکسون و هنری کیسینجر از جمهوری خلق چین دیدار کردند و مائو به دیدار آنان رفت. این اتفاق درست در ایامی بود که روشنفکران ساده لوح جهان از جنایت جهان سرمایه داری و خیانت اتحاد شوروی به جمهوری خلق چین پناه آورده بودند. اما چینی ها همواره نشان داده اند که عمل گراتر از آن هستند که نشان می دهند. مائو گفته بود برای درست کردن املت به جای نظریه پردازی کافی است دو تخم مرغ را به هم بزنید و بشکنید و دنگ شیائوپینگ افزوده بود مهم نیست که گربه سیاه است یا سفید، مهم آن است که گربه بتواند موش بگیرد. رهبران چین در سال های بعد سعی کردند به روشنفکران ساده لوح جهان بیاموزند که آنها فقط معلم یک میلیارد مردم خود هستند. در شرایطی که ژان پل سارتر در خیابان های پاریس روزنامه های مائوئیستی می فروخت، گروهی از مائوئیست های ایرانی (بقایای سازمان انقلابی حزب توده) در چین درس مائوئیسم را می آموختند در حالی که به گفته یکی از همان مائوئیست ها: «استادان چینی همواره پیش از آغاز درس ها می گفتند رفقا، این تجربه انقلاب چین است. نباید کپیه برداری کنید. رفیق مائوتسه دون توانسته است با توجه به شرایط چین به این مسائل برسد. شما باید شرایط ویژه کشور خودتان را تشخیص دهید.» اما دانشجوی ایرانی معتقد بود: «ما می گفتیم تعارف و شکسته نفسی می کنند.» (ایرج کشکولی، ص ۳۴) چینی ها اما تعارف نداشتند. آنان حتی از آموزش به کادرهای مجاهدین خلق ابا کردند و با وجود آنکه اخلاق مائوئیستی در تار و پود گروه چپ گرا رخنه کرده بود با حکومت های قبل و بعد از انقلاب اسلامی همکاری نزدیکی داشتند: چینی ها برخلاف روس ها که سرنوشت خود را به بلوک شرق پیوند زده بودند مارکسیسم را با ناسیونالیسم چینی آمیختند و با جدا ساختن مسائل خویش از مسائل جهان کمونیست به حیات خود ادامه دادند. اگر شهر ممنوعه در پکن نماد چین کهنه است شانگهای با گشودن آغوش به روی سرمایه داری به نماد چین مدرن تبدیل شد بدون آنکه ذره ای از اقتدارگرایی دولت چین کاسته شود. پوستین وارونه ای که چین امروز از سوسیالیسم بازار بر تن کرده بار دیگر ثابت می کند چینی ها هرگز آموزگاران خوبی برای جهان نبوده اند. گرچه افراد عقب مانده ای مانند مسعود رجوی هنوز در توهم مائوئیسم به سر می برند اما سیاستمداران باهوشی مانند جلال طالبانی وجود دارند که روزی «خود را مدافع اندیشه مائوتسه دون می دانست... در چادرش عکس های لنین و مائو و کتاب های مارکسیستی وجود داشت» (ایرج کشکولی، ص ۱۲۴) و امروز رئیس جمهوری کشوری است که توسط ارتش متجاوز ایالات متحده آمریکا اشغال شده است.

بار دیگر از زمین به آسمان بازگردیم. همین تفاوت جهان بینی چینی و جهان واقع است که سبب شده فیلسوفان و روشنفکران جدید در توفیق چین یا دست کم توفیق پیروی از چین و تبدیل شدن آن به یک الگوی جهانی تردید کنند. تاریخ چین، تاریخ اجتماعی است. در چین هویت فردی یا وجود ندارد یا به شدت سرکوب شده است. اگر جان استوارت میل به چین سفر کرده بود شاید در جهانشمولی این داوری قطعی خود تردید می کرد که «آدمیان مثل گوسفندان نیستند حتی همه گوسفندان هم شبیه هم نیستند.» (رساله آزادی، ۲۷۱) به همین دلیل است که چینی ها بی توجه به اخلاق ابراهیمی و توحیدی و لیبرالی از تکنولوژی شبیه سازی انسان استقبال می کنند اما راست گرایان مسیحی و آمریکایی (مانند فرانسیس فوکویاما) با شبیه سازی مخالفند. انسان از نگاه حاکمان چین یک سازه، یک تولید است اما در جهان بینی ابراهیمی و لیبرالی انسان هویتی سازنده و مولد دارد. در چین مفهومی به نام علوم انسانی وجود ندارد. چینی ها سخنوران زبردست و شیرین سخن بسیار داشته اند اما فلسفه (به معنای یونانی) و حکمت (به معنای اسلامی) از تاریخ چین غایب است. متون حکمی چین گزیده گویی های کنفوسیوسی است که مائو نیز به تقلید از آن کتابچه های سرخ منتشر می کرد. چینی ها دانشمندان، مخترعان، مهندسان و نظامیانی بزرگ داشته اند. شاید فضل تقدم اختراع دستگاه چاپ و توپ و باروت با آنان باشد اما فیلسوفان، جامعه شناسان، اقتصاددانان، سیاست دانان و حقوق دانان برجسته ای نداشته اند. معنی این حرف این نیست که چینیان مردمی بی خرد بوده اند که خرد محدود در فلسفه و حکمت و علم انسانی نیست. مقصود این است که جهانی که ما می شناسیم و در آن زندگی می کنیم از خاورمیانه (آسیای غربی و شمال آفریقا) تا اروپا و آمریکا جهانی یکسره متفاوت از شرق دور است. کار بدانجا رسیده که برخی متفکران مفهوم شرق را فقط شامل چین و ژاپن و کره دانسته اند و ایران و اعراب را اگر نه غربی که دست کم میان شرق و غرب خوانده اند. به همین دلیل است که حتی در رده بندی های اداری و مطبوعاتی هنگامی که از شرق سخن گفته می شود مقصود خاورمیانه نیست.

استبدادی که هزاران سال تاریخ چین را درنوردیده است از عصر امپراتورانی که خدایگان زمین خوانده می شدند تا عهد کمونیست هایی که ناخداهای زمین نامیده می شدند ریشه در فرهنگی دارد که سرشتی متفاوت از فرهنگ اروپا و خاورمیانه دارد. جامعه ای که از فلسفه و حکمت بی بهره باشد در پی چون و چرا، دلیل و برهان نیست. هیچ حاکمی در تاریخ ایران و اسلام جرات نکرده خود را خدا یا بی خدا بنامد و حداکثر خویش را ظل الله خوانده اند. مستبدترین پادشاهان ایران در برابر علمای دین خاضع و فروتن بودند چرا که جدایی نهادی دین و دولت در تاریخ ایران مانع از آن می شد که پادشاهان ساسانی، صفوی یا قاجاری بتوانند مدعی الوهیت باشند. اما امپراتوران چین و ژاپن خویش را فرزند خدا یا حتی خدا می خواندند. کار به جایی رسید که ملحدانی چون مائو نیز بر جای خدا نشستند. فرزند یکی از مقامات عالی رتبه حزب کمونیست چین نوشته است: «جایگاه مائو بسیار بالا بود. اقتدارش بسیار زیاد بود. او مثل یک خدا بود. با حرف هایش نمی شد مخالفت کرد. هر چه می گفت درست بود در نتیجه وقتی او و دیگران می گفتند پدر من مرتکب اشتباهاتی شده است من باور می کردم.» و این ناخدایی است که از تاریخ ایران، چه در عهد کهن و چه در عهد مدرن، غایب است. حتی رضاخان نتوانست حکومتی توتالیتر برپا کند. این به معنای آن نیست که دیکتاتورهایی چون رضاخان تمایل به برقراری حکومتی تمامیت خواهانه نداشتند بلکه دو نهاد فردیت و حکمت در تاریخ ایران مانع از یکدست شدن همه حکومت می شد. ایرانی ها گرچه در تاریخ ۲۵۰۰ سال پادشاهی تن به سلطنت مطلقه دادند اما روح خود را به استبداد نفروختند. اتفاقی که در انقلاب فرهنگی چین رخ داد و عامه مردم روح خود را به مائو فروختند و مصداق انسان ازخودبیگانه ای شدند که مارکس آن را نکوهش کرده بود. همین فردیت است که مانع از توسعه ایران به سبک چینی می شود.

تولد بی دریغ انسان در چین (از هر چهارنفر انسان یک نفر چینی است) سبب می شود آنها در مقام قطعات دستگاه ها و ماشین های بزرگی جلوه گر شوند که کالاهایی در تیراژ بالا و با کیفیت پایین تولید می کنند. توفیق چین در بدنه بزرگ انسانی و فرماندهی واحد آن است اما ما ایرانی ها حتی در فروع دین می توانیم از مراجع متعددی که پیش روی ما است یکی را برای تقلید انتخاب کنیم. ایران و چین اولین دولت های امپراتوری در جهان بودند با این تفاوت که در چین از آغاز تنها یک حکومت وجود داشت و در ایران هرگز تنها یک حکومت وجود ندارد. در چین پیامبر و پادشاه یکی است و در ایران حاکم و حکیم هر یک مقامی جداگانه به حساب می آیند. چینی ها با ادغام دو دنیای فانی و باقی، طبیعت و آخرت ماتریالیسم را حتی پیش از کمونیسم در اسطوره های چینی تجربه کرده اند اما ایرانی ها با تفکیک جهان فانی و جهان باقی حتی پیش از اسلام به توحید و معاد باور داشتند. در جهان بینی چینی خدا مفهومی متجسد و مادی است که گاه در قامت امپراتور و گاه در قواره مائو فرود می آید اما در جهان بینی ایرانی خدا مفهومی عالی و فرابشری است که هرگز متجسد و بشری نمی شود. این گونه است که خدایگان و ناخداهای چینی می توانند حکومت توتالیتر و توسعه آمرانه تاسیس کنند اما حاکمان و سیاستمداران ایرانی نمی توانند چنین کنند. چین برای ایران حداکثر اهرم فشاری علیه آمریکا است، اگر در عهد خود خیانت نکند و شرق برای ایران تنها تفرجگاهی است که می تواند در مذاکرات ایران و غرب به کار چانه زنی های ما بیاید. از این منظر سفر محمود احمدی نژاد به چین تنها گوشه چشمی از سر خشم نشان دادن به آمریکا است. چین و ایران نه در ایدئولوژی و نه در استراتژی نسبتی با هم ندارند. کسانی که به وجود خدا و آخرت باور نداشته باشند و همه چیز را در جهان طبیعت بجویند، در عالم سیاست نیز به اصول از پیش تعیین شده ای باور نخواهند داشت. همان گونه که چینی ها از ادعای رهبری جهان سوم به هم آغوشی با جهان غرب روی آوردند و از رهبری سوسیالیسم، خود به امپریالیسمی جدید بدل شده اند. شرق آسیا برای ما فضای تنفسی است اما فضای حیاتی ایران در همین جهان میانه ای قرار دارد که آن را خاورمیانه می خوانیم. میز مذاکره ما با غرب نه در شانگهای که در بین النهرین قرار دارد. همان جایی که فضای مشترک شرق و غرب در رویدن فلسفه و حکمت و علوم انسانی و آداب حکمرانی و سیاست مدرن بوده است. همان جایی که فلسفه یونانی متولد شد، حکمت اسلامی واسطه انتقال آن به جهان مدرن شد و فلسفه مدرن پدید آمد. حتی زمانی که امواج مدرنیته از غرب به شرق رسید خاورمیانه به دلیل فرهنگ خود زودتر از خاور دور پذیرای تجدد شد و تجددی که در شرق دور پا گرفت (فاشیسم در ژاپن و کمونیسم در چین) بیشتر با الگوهای جمع گرایانه مدرنیته سازگار بود تا مدل های فردگرایانه آن. هنوز در خاورمیانه (ایران و ترکیه) دموکراسی ملموس تر است تا در خاور دور که حتی در کره جنوبی لیبرالیسم اقتدارگرایانه سبب ساز توسعه شد یا کره شمالی که ارتجاع را با سوسیالیسم پیوند زده است. تا بدانجا که جمهوری اسلامی ایران گرچه نظام چندحزبی یا حزبی ندارد اما مانند چین از نظام تک حزبی هم رنج نمی برد و مطبوعات و احزاب آن یکسره حکومتی نیستند.

این گونه است که می توان رابطه میان سفره و سیاست را فهمید.

مردمک

۲۲۰۵۳۳۷۲

تبدیل تاریخ قمری به شمسی

صفحه مشروطه که چند روزی است به بیان وقایع تاریخی دوران مشروط